حلیمه نیکدل، ۱۴۰۵

رابطه نگرش به والدگری و حمایت اجتماعی ادراک شده با تمایل به فرزندآوری در زنان «۳۵ - ۲۰ ساله» شهر سبزوار

هدف پژوهش حاضر پیش بینی تمایل به فرزندآوری بر اساس نگرش به والدگری و حمایت ادراک شده زنان 35-20 ساله شهر سبزوار می باشد.تحقیق حاضر به لحاظ هدف، بنیادی و از نظر کنترل متغیرها، توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه بانوان 35-20 ساله شهر سبزوار تشکیل دادند که در طی دی ماه 1404 لغایت خرداد 1405 به مراکز مشاوره سبزوار (مرکز مشاوره امید، سربداران و بیهق) مراجعه داشته و تمایل خود را برای فرزندآوری اعلام داشته اند. بر اساس اطلاعات 3 مرکز مشاوره شهر سبزوار تعداد این افراد 145 مورد بود که بر اساس جدول مورگان تعداد 105 نفر بصورت تصادفی ساده انتخاب شد و پرسشنامه های مقیاس نگرش به والدگری دومکا(2000)، پرسشنامه حمایت ادراک شده زیمت(1988) و پرسشنامه تمایل به فرزندآوری میلر(1995) را تکمیل کردند. برای تجزیه وتحلیل داده¬ها ازروش آمار استنباطی و توصیفی استفاده شد. نتایج نشان داد نگرش به والدگری و حمایت ادراک‌شده می‌توانند تمایل به فرزندآوری را پیش‌بینی کنند. نگرش به والدگری قوی‌ترین عامل پیش‌بین‌کننده است. حمایت ادراک‌شده هم به‌طور مستقل و معنادار تمایل به فرزندآوری را پیش‌بینی می کند. این دو متغیر روی هم ??? از تغییرات تمایل به فرزندآوری را تبیین می‌کنند یعنی ??? نیز به عواملی مثل شرایط اقتصادی، اشتغال، مسکن و... برمی‌گردد. نتایج فرضیه اصلی پژوهش نشان داد که نگرش به والدگری 0.426=ضریب بتا و حمایت ادراک‌شده 0.341= ضریب بتاهر دو اثر مثبت و معناداری بر تمایل به فرزندآوری دارند و در مجموع، این دو متغیر 48.30 درصد از واریانس تمایل به فرزندآوری را تبیین می‌کنند. بنابراین، فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود.

کلیدواژه‌ها: واژگان کلیدی: نگرش به والدگری، حمایت ادراک شده، تمایل به فرزندآوری.

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۶۲۹۴۰۷۹۳۴۰۵۷۵۰۰۰۴۸۱۶۳۴۷۲۹۹۴
تاریخ دفاع: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
رشته‌ی تحصیلی:
دانشکده:
استاد راهنما: دکتر حسین ماهور

Thesis:

The relationship between attitudes towards parenting and perceived social support with the desire to have children in women aged 20-35 in Sabzevar city.

The aim of the present study is to investigate the prediction of the desire to have children based on attitude towards parenting and perceived support in women aged 20-35 in Sabzevar. The present study is fundamental in terms of its purpose and descriptive and correlational in terms of controlling variables. The statistical population of this study consisted of all women aged 20-35 in Sabzevar who referred to Sabzevar counseling centers (Omid, Sarbedaran, and Bayhaq counseling centers) during the months of January 1404 to June 1405 and declared their desire to have children. Based on information from 3 counseling centers in Sabzevar, the number of these individuals was 145, of which 105 were selected based on the Morgan table and completed the Domka Parenting Attitude Scale questionnaire, Zimet Perceived Support Questionnaire, and Miller Childbearing Intention Questionnaire.. Descriptive statistics were used to examine and compare the mean and standard deviation of variables, and inferential statistics were used to analyze the research hypotheses. The results showed that attitudes toward parenting and perceived support can predict the desire to have children. Attitude toward parenting is the strongest predictor. Perceived support also independently and significantly predicts the desire to have children. Together, these two variables explain 31% of the variation in the desire to have children that is, the other 69% is due to factors such as economic conditions, employment, housing, etc. The results of the main hypothesis of the study showed that both attitudes towards parenthood (?=0.426) and perceived support (?=0.341) have a positive and significant effect on the desire to have children, and in total, these two variables explain 48.30% of the variance in the desire to have children. Therefore, the main hypothesis of the study is confirmed.